

روزمره و زیست در سایه دشمن و همسایگی با او. سعید تفسیری خلاف آمد عادت ضمیمه این عکس ها کرده است. کتاب در چهار فصل دولت ها، داخل، پیدایش، گذشته و آینده و دو مقاله دیگر نوشته شده و در سال ۱۹۹۹ منتشر شده است. مقدمه طولانی سعید بر آن کتاب هدف همه آن چه را که پیش روست خلاصه کرده است: «ارائه هویت فلسطینی ها به عنوان یک گروه انسانی که زندگی شان بسی پیچیده تر و متفاوت تر از تبلیغات سرسام آور است». او با پیش کشیدن تجربه شخصی خود و اطرافایش، با مرور دیدارهایی که از فلسطین داشته است و با نگاه درون فرهنگی به زبان و عناصر هویت بخش یک فلسطینی، تلاش دارد تا چند موضوع را برجسته کند: اول اینکه «فلسطینی ها» در سراسر جهان همواره به عنوان موجودیتی عجیب، ناشناخته، کشف نشده و غیر قابل فهم شناسانده شده اند. فلسطین همواره بستر حاصلخیز تروریسم شناخته شده و این تصویر کلان در نهایت به نفی هویت فردی آن ها منجر شده است. دوم اینکه رانده شدن و پراکنده شدن یک ملت، عدم وحدت مکان زندگی، «برجاماندن» برخی و ترک وطن کردن برخی دیگر از یک سو و سختی انتقال هویت ملی به نسل جدید از سوی دیگر دشواری هایی برای خود آن ها در توافق بر سر هویت جمعی شان رقم زده است. سومین برجسته سازی سعید تلاش در بهره و مستمر دشمن و خشونت مداوم او برای غصب همه عناصر فرهنگی، بومی، منطقه ای و ملی فلسطین است، دشمنی که البته منحصر به «صهیونیست ها» نیست و آمریکا و حتی کشورهای عرب همسایه نیز می توانند جزئی از آن باشند. با این رویکرد فصل های جداگانه کتاب تمایز چندانی ندارند و همگی روی یک خط در حرکت اند که می توان به دسته بندی چهارگانه ای رسید:

۱. آیا هویتی به اسم فلسطینی وجود دارد؟
آن چه همه از ساکنان یا آوارگان فلسطینی می دانند خلاصه شده در چند حرف و تصویر است، کلان روایتی که می گوید «فلسطینی ها» چگونه هستند یا نیستند، روایت هایی که از ترس و بزدلی آن ها یا تنبیل و تروریست بودنشان تا مقاومت و دفاعشان تنوع و گستردگی دارند.

می زنیم منظورمان چه کسانی هستند؟ «فلسطینی ها» یعنی که؟

ما سال هاست از فلسطینی ها کلان تصویری ساخته ایم، تصویری بدون جزئیات، محو و پراز ابهام و تنها با یک نقطه فوکوس بر «قدس»، تصویری چون حنظله، پشت به دوربین و مهاجران ابدی، همواره در حال تبعید و خانه به دوش. اما در روزهایی که از ۷ اکتبر به بعد گذشت، در شبکه های اجتماعی از «فلسطینی ها» ای ساکن غزه داستان هایی خواندیم، از کسانی که خواستند عددی میان هزاران شهید نباشند و جهان قصه آن ها را بدانند. می گویند برای ماندگاری باید قصه گفت، پر جزئیات و با تکیه بر شخصیت. «فلسطینی ها» خواستند قصه خودشان را بگویند، شاید جهان از ریختن خون آن همه قهرمان در نقطه ای متراکم شرمگین شود؛ اگر چه نشد.

+

نشسته بر شالوده های حرمان و تبعید

ادوارد سعید در کتاب فراتر از واپسین آسمان قصه گوی آن هاست: «فلسطینی ها».

نویسنده فلسطینی رانده شده از سرزمین محل تولدش، چونان آخرین بازمانده از نسلی که تصرف ذره به ذره وطن خویش را دیده است، با رجوع به قصه های بومی ها و تکیه بر احساس ها، آرزوها، آرمان ها و حرمان های مشترک جمعی می کوشد چیزی درباره فلسطین بگوید که کمتر کسی متوجه آن است. کمتر کسی درصد است از «فلسطینی ها» نام و نشانی بجوید و «فلسطین» را مجموعه ای از هویت های فردی سرکوب شده ببیند.

فراتر از واپسین آسمان، بیش از آنکه تلاشی علمی یا تحلیلی سیاسی درباره فلسطین باشد، کاوشی است در زندگی «فلسطینی ها»، «فلسطینی ها» بی که نام ندارند، صورت ندارند، نشان و آدرس ندارند و در جهان پراکنده اند. سعید آن چه را که سال ها در پروژه مطالعاتی اش - شرق شناسی - دنبال کرده بر فلسطین می تاباند و به مدد مطالعات استعماری آن چه را که بر ساکنان فلسطین گذشته است بازخوانی می کند. بهانه کتاب عکس های «ژان مور»^۱ - عکاس مستند سوئیس - از فلسطین اشغالی و اردوگاه های آوارگان است، تصویرهایی معمولی از زندگی

اسرائیل نبود، پسر کوچک بی رنگ و زنده پوش تا سال ها بعد با همان قامت در نقاشی ها و نمادهای فلسطین دوام نمی آورد. خون نقاش به بقا و ماندگاری حنظله کمک کرد و او در سایه پرچم فلسطین، اگر چه دور از وطن، با جوهری از اشک ها و خون های هزاران فلسطینی رانده شده و کشته شده قد کشید. ۷ تشرین ۲۰۲۳ آن پسرک تنها و زنده پوش و سرگردان در قامتی متفاوت ظاهر شد. او حالا قدرت بازو و رزم و سلاح دارد، گویی سال های طولانی خود را برای این روزها آماده کرده است. ناجی علی با خلق حنظله نمادی از فلسطین و فلسطینی به وجود آورد، حنظله ای که «چاق نیست، شاد نیست، آرام نیست و هرگز شبیه کودکان نازپرورده نیست. پابره است، مانند تمام کودکان مهاجر به اردوگاه هاست» تا سال ها تصویر ثابتی بود از «فلسطینی ها»، مردمانی که جهان به دیدن آن ها جز در گوشه ای از تصویر عادت ندارد. اما حنظله ای که در همه این سال ها نظاره گر ظلم و اشغال بوده است حالا به حرکت درآمده. آن چنان که هرگز بزرگ شده ای به کودکی بازمی گردد، فلسطین نیز دیگر به پیش از ۷ تشرین باز نخواهد گشت. حتی اگر خون حنظله نیز ریخته شود و تمام فلسطین به تصرف چکمه پوش های صهیونیست درآید، حنظله های دیگر باقی خواهند ماند و راه او را ادامه خواهند داد. حنظله هنوز پشت به دوربین است، اما عزم رزم او رؤیای برگشت او را نشان می دهد، مانند تمام فلسطینی ها، اگر چه بدون خالقش، بدون پدران و مادران و نسل هایی که از آنجا رانده شدند.

+

مهاجران ابدی

«بازگشت» کلیدواژه مکالمه ها و گفت و گوهای «فلسطینی ها» است. در کمتر کلامی از جوانان و نوجوانان و آن ها که هرگز سرزمین فلسطین را ندیده اند می شنویم که به فلسطین «می رویم»؛ آن ها می گویند به فلسطین «برمی گردیم»، حرکتی که در دل خود قصه های زیاد دیگری دارد و این قصه ها بدون «فلسطینی ها»، راویان و صاحبان آن ها، هرگز پیش نخواهند رفت. اما وقتی از «فلسطینی ها» حرف



ساجده ابراهیمی

دبیر پرونده | پژوهشگر مطالعات تطبیقی ادیان